دست خالی نویسنده مالک «زخم کاری» را زنده کرد؛

چرا فصل ۲ ناکام ماند؟

■ کیوان کثیریان با مروری بر قصه، شخصیت پردازی و بازیگران سریال «زخم کاری» به بررسی این فصل از سریال پرداخت و دست خالی نویسنده از شخصیت‌های فصل اول را از دلایل ضعف فصل دوم دانست.

نیما رجبی

گروه فرهنگ و هنر– سریال «زخم کاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان جمعه ۱۰ آذر بعد از ۱۳ قسمت پایان یافت؛ سریالی که فصل اول آن با اقبال زیاد مخاطبان روبه‌رو شد و بخش زیادی از این مخاطبان از سریال رضایت هم داشتند یعنی هم آن را می دیدند و هم مطلوبشان بود؛ اتفاقی که در فصل دوم سریال تکرار نشد و اگرچه مخاطب براساس برند اولیه سریال و شخصیت اصلی آن یعنی مالک با بازی جواد عزتی آن را دنبال کرد اما نتوانست به همان میزان رضایت آن ها را هم در بر داشته باشد و بیشتر بر مخاطب ناراضی افزود. این سریال از ابتدای پخش واکنش های زیادی گرفت و حالا با پایان این سریال در گفت‌وگویی با کیوان کثیریان منتقد سینما به نقد و بررسی نکات مثبت و منفی آن پرداخته‌ایم.

کیوان کثیریان منتقد سینما درباره سریال «زخم کاری» و فصل دوم آن که به تازگی پخش آن به پایان رسید نکاتی را به صورت تحلیلی مطرح و بیان کرد: به نظرم همان طور که مشخص است در فصل اول بازیگران بیشتر و موثرتری حضور داشتند که در فصل دوم اینچنین نبود. نکته دیگر اینکه در قصه هایی که برای سریال ها نوشته می‌شود معمولاً به فصل دوم فکر نمی‌شود. در «شهرزاد» هم اینچنین بود و بعدترها در برخی سریال ها با موفقیت فصل اول آن به فصل های بعدی می‌اندیشند. با این حال درباره این سریال از ابتدا به نظر می رسد قصد ساخت فصل دوم وجود نداشته است.

دست خالی نویسنده از کاراکترهای فصل اول

وی اضافه کرد: به هر صورت کشته شدن تعداد زیادی از کاراکترهای اصلی در فصل یک، دست نویسنده و کارگردان را خالی می کند. این روند تا جایی پیش رفت که مالک هم کشته شد و این یعنی همه چیز تمام شده است، اما دوستان به فکر ادامه ساخت افتادند، از باقی مانده شخصیت هایی که کشته نشده بودند بهره گرفتند و شخصیت های دیگری هم اضافه شدند. این منتقد سینما تصریح کرد: قصه در فصل دوم نیاز به شخصیت های موثرتری داشت تا کشش لازم برای جذاب ماندن یک سریال ۱۳ قسمتی را داشته باشد. مثلا در «شهرزاد» هم وقتی بزرگ آقا می‌میرد بخشی از پتانسیل قصه از بین می رود. به ویژه که در فصل دوم تمرکز قصه روی پسر مالک یعنی شخصیت میثم و مادرش قرار گرفت که به نظرم جواب نداد. شخصیت میثم و بازیگرش پتانسیل لازم را نداشتند؛ هم کاراکتر که پرورش آن دست فیلمنامه نویس است و هم بازیگر، این ظرفیت را نداشتند.

کثیریان درباره اینکه چرا بازیگرانی که در فصل دوم به قصه وارد شدند با مخاطب ارتباط برقرار نکردند، توضیح داد: به نظرم پیچیدگی های لازم برای سریالی که می تواند جنایی تصور شود در قصه و فیلمنامه وجود نداشت، از زنده بودن مالک آن طور که باید استفاده نشد و صرفاً مالک در اتاقی بود و لگو می‌ساخت و گاهی او را می‌دیدیم. حضور او در روند قصه تاثیری نداشت؛ حتی طلاق او و سمیرا با قصه‌ای که دیدیم ضرورتی نداشت چون سمیرا با طلوعی ازدواج هم نکرد. این انتخاب کارگردان بود که مالک بازگردد اما می توانست از او بهره بیشتری ببرد و حضور موثری داشته باشد که شاید در فصل سوم این اتفاق بیفتد.

در چند قسمت اخیر سریال دوباره دیدیم کشتارهایی به راه افتاد و مثلاً می بینیم که برای بار دوم دختری که میثم دوستش دارد خودکشی می کند و تکرار یک موقعیت بدون دلیل تازه ای خیلی جذاب نیست. سمیرا هم همان نقش را بازی می کند و خیلی از موقعیت ها بدون جزئیات تازه ای تکرار می شود.

فانتزی زنده ماندن مالک بعد از چاقو خوردن و زیر خاک رفتن

وی با اشاره به قصه شخصیت مالک یادآور شد: نمی‌دانم در جهان واقع این ماجرا چقدر ممکن است که فردی که پرونده سنگین قضایی دارد، بتواند اینگونه آزاد و مخفی بماند و چقدر منطق بیرونی دارد ولی با این حال فرض داستان این است. اما شکل زنده ماندن مالک هم کمی فانتزی بود با توجه به زمانی که بیهوش بوده و او را در تابوت می بینیم و به تابوت میخ می‌زنند و روی او خاک می‌ریزند، اینکه زنده بماند و نجات پیدا کند کمی تخیلی است، اما در نهایت فرض قصه است که او زنده است ولی حداقل باید از زنده بودنش استفاده بهتری در قصه می‌شد.

کثیریان درباره دیگر شخصیت های این سریال بیان کرد: شخصیت شفاعت با بازی مهران غفوریان یکی از نقاط مثبت سریال بود. مساله اصلی در اینکه اکثر شخصیت ها نتوانستند به قدر کافی جذاب باشند، فیلمنامه سریال بود و اصلاً یکی از نقطه ضعف‌های اصلی این فصل فیلمنامه بود.

فیلمنامه باید متریال را به لحاظ قصه و شخصیت پردازی داشته باشد مثلاً به الناز ملک همسر شفاعت، پیچیدگی هایی می دهد که می خواهد به هلدینگ و خیریه وارد شود اما بعد رها می‌شود و در ادامه دیگر نقشی در این مناسبات بازی نمی کند. این منتقد سینما مطرح کرد: در چند قسمت اخیر سریال دوباره دیدیم کشتارهایی به راه افتاد و مثلاً می بینیم که برای بار دوم دختری که میثم دوستش دارد خودکشی می کند و تکرار یک موقعیت بدون دلیل تازه ای خیلی جذاب نیست. سمیرا هم همان نقش را بازی می کند و خیلی از موقعیت ها بدون جزئیات تازه ای تکرار می شود. کثیریان درباره منطق نبود پلیس برای پیگیری کشتارها بیان کرد: این خودش مساله است وقتی اتفاقی مثل منفجر شدن یک مطب رخ می دهد ولی پلیس نیست و پیگیری قضایی هم نداریم با منطق مرسوم داستان های جنایی سازگار نیست چون در داستان جنایی از مقطعی به بعد، یک طرف ماجرا پلیس است. اینجا اما پلیس فقط به مالک سر می‌زند و بعد می رود. چطور طلوعی میثم را قدم به قدم تعقیب می کند اما پلیس نمی تواند مجرمان و پرونده را تعقیب کند. این درست که در فیلم‌های گنگستری مثل «پدرخوانده» پلیس نقشی در معادلات میان گنگسترها ندارد و آنها آزادانه کشت و کشتار می کنند ولی مساله این است که پلیس و نیروهای امنیتی از سریال «زخم کاری» حذف نمی شوند و مالک را هم پیدا می کنند و با میثم هم در تماس هستند اما جزئیات دیگری نمی بینیم و تاثیری در روند قصه ندارند.

وی درباره این فصل که بابرداشتی از «هملت» نوشته شده است، گفت: من رگه های پررنگ اقتباس نمی بینم و نهایتا یک الگو یا برداشت کلی از «هملت» گرفته شده است. درنهایت شخصیت میثم و طلوعی این قابلیت را ندارند که باور کنیم معادلات قدرت را پیش می برند. درباره شخصیت پردازی طلوعی می‌شود گفت مثلا صرف اینکه طلوعی صاحب خیریه کودکان است و در عین حال «هیولا تم» است و به راحتی آدم می کشد، پیچیدگی و عمق به شخصیت او نمی دهد. کاراکتر طلوعی درست پرداخته نشده است. سمیرا هم وامدار پرداختش در فصل اول سریال است. زنی که تبدیل به هیولا می شود و می خواهد به راس هرم قدرت برسد که در فصل اول هم این کنش های او را دیدیم اما در این فصل جزئیات دیگری به بازی و شخصیت او اضافه نمی شود.

وی اظهار کرد: خیلی فرق دارد جواد عزتی بازیگر نقش اول سریال باشد یا بازیگری که نقش فرزند او را بازی می کند. بازیگر نقش میثم توان و جذابیت لازم برای ایفای نقش اصلی را نداشت.

کثیریان درباره اینکه خیلی از مسائل مرتبط با قدرت در این سریال در قالب دیالوگ نشان داده می‌شود، گفت: قدرت و نفوذ پشت پرده شخصیت ها را باید به تصویر کشید تا مخاطب آن را درک کند. باید بی رحمی را در شخصیت ببینید، اینگونه نیست که فقط چنین شخصی را نشان دهید که بگوید سر فلانی را زیر آب کن و بعد فکر کنیم با شخص قدرتمندی روبه‌رو هستیم. این قدرت باید به باور مخاطب بنشیند. هم بازیگر باید توان کافی داشته باشد و هم کاراکتر درست نوشته شود.

وی در پایان با اشاره به یکی از شخصیت های فصل اول بیان کرد: سیاوش طهمورث با کاراکتر حاج عمو در فصل اول چنین نقشی داشت و قدرت را در او می دیدید. کامبیز دیرباز در این سریال شخصیت منفی پرقدرتی نیست، همانطور که اکثر بازیگران در این فصل به قدر کافی، جذاب نبودند. امیدوارم فصل سوم با بازیگران بهتر و روابط جدید و فیلمنامه قوی‌تر ادامه یابد و جبران مافات شود. محمدحسین مهدویان کارگردان خوبی است، با یک فیلمنامه خوب می‌تواند بهتر نتیجه بگیرد و موفقیت نسبی فصل اول را تکرار کند.

"زندگانی" و "حمیدی" در جشنواره تئاتر تونس تقدیر شدند

گروه فرهنگ و هنر– رایزن فرهنگی ایران در تونس از تقدیر امین زندگانی و الهام حمیدی در جشنواره تئاتر کارتاژ تونس خبر داد و گفت: نقش‌های بیاد ماندنی آنها به ترتیب در فیلم سینمایی ملک سلیمان و سریال یوسف پیامبر در میان مردم تونس بسیار مورد توجه قرار گرفته است. هادی آجیلی رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور تونس در تشریح جشنواره تئاتر کارتاژ تونس گفت: ۴۰ سال از برگزاری اولین دوره این رویداد می گذرد و اکنون شاهد برگزاری بیست و هشتمین دوره آن هستیم. نام این رویداد است که از ریشه قرطاج نام باستانی کشور تونس گرفته شده است. این رویداد یکی از معتبرترین جشنواره‌های مهم سینمایی جهان عرب شناخته می‌شود که در واقع اولین و مهم‌ترین جشنواره فیلم در آفریقای شمالی است و جایزه اصلی آن تانیت طلایی است که به نام الهه کارتاژی نامگذاری شده‌است.

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشور تونس درباره حضور پررنگ ایران در این رویداد گفت: ۲۸ کشور همچون روسیه، فرانسه، استرالیا و آمریکا در این رویداد حضور دارند که ایران در میان این کشورها حضوری بسیار پررنگ دارد به نحوی که برخی از بدخواهان جمهوری اسلامی با این بهانه که ماهیت این رویداد عربی و آفریقایی است به حضور ایران اعتراض داشتند و برخی که به قدرت فرهنگ و هنر ایران واقف هستند باور دارند که حضور تئاتر ایران زینت‌بخش و اعتباری برای این رویداد است. آجیلی از حضور تئاتر اسب قاتلین نوشته رضا گشتاسب به کارگردانی محمدهاشم‌زاده با شرکت ۱۵ بازیگر در این جشنواره خبر داد و گفت: اسب‌قاتلین اثر کارگردان شیرازی با کسب عناوین برتر در بخش صحنه‌ای طراحی چهره و گریم، طراحی و ترکیب صدا، گروه بازیگران، و رتبه اول کارگردانی و بهترین نمایش را در چهل و یکمین دوره جشنواره تئاتر فجر از آن خود کرد. این تئاتر که حاصل تلاش گروه نمایشی اردیبهشت است، در جشنواره تئاتر کارتاژ تونس که از یازدهم تا نوزدهم آذر برگزار می‌شود، به عنوان نماینده کشورمان در جمع ۱۱۰ گروه هنری از ۳۸ کشور جهان قرار خواهد داشت. وی گفت: رابرت ویلسون کارگردان و نویسنده مشهور تئاتر جهان از میهمانان این جشنواره است که به همراه تیم خود در روزهای آینده اجرا خواهند داشت؛ از این هنرمند به عنوان یکی از پیشروترین هنرمندان تئاتر جهان یاد شده‌است که در طول مسیر هنری خود خلاقیت هایی در حوزه های طراحی حرکت، اجرا، نقاشی، مجسمه‌سازی، ویدیوآرت و طراحی نور و صدا ارائه کرده است.

در مراسم افتتاحیه این رویداد از امین زندگانی برای ایفای نقش در فیلم ملک سلیمان در این رویداد تقدیر شد. اولین بخش از سه‌گانه آن به روی پرده سینماها رفت که روایت مقطعی از زندگی حضرت سلیمان است و در آن از فناوری‌های پیشرفته سی جی ای و دی ای استفاده شد. الهام حمیدی نیز برای نقش همسر یوزراسیف در سریال یوسف پیامبر مورد تقدیر قرار گرفت.

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اشاره به تقدیرهای صورت گرفته گفت: به صورت معمول فیلمهایی از ایران در رویدادهای خارجی مورد تقدیر قرار می گیرد که چهره‌ای غیرواقعی و سیاه‌نمایی را مورد هدف خود قرار می دهند درحالی که فیلم‌هایی که مورد توجه این رویداد قرار گرفتند فیلم هایی هستند که با هدف نشان دادن صحیح فرهنگ ایرانی اسلامی ساخته شدند. وی از برگزاری نشست کارگاهی با عنوان تئاتر و مردم با حضور قطب‌الدین صادقی کارگردان شناخته شده ایرانی خبر داد و گفت: تئاتر ایران در این نشست تنها برنامه ای در این رویداد است که عنوان یک کشور را به خود اختصاص داده است. اجرای ورزشکاران باستانی از دیگر برنامه‌های این رویداد است. گروه اجرا کننده همان گروهی است که در برنامه عصر جدید اول شدند و در اول آذرماه در محضر رهبر انقلاب اجرا داشتند.

رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تاکید مقام معظم رهبری بر اهمیت و جایگاه ورزش زورخانه‌ای و ترویج مرام پهلوانی اشاره کرد و گفت: رهبر انقلاب فرمودند این ورزش کاری نیک و ارزشمندی است که هر چه برای ضرب زورخانه‌ای تبلیغ کنیم، ناچیز است. اگر می‌خواهیم در ورزش به جایی برسیم و مرام پهلوانی را دوباره در ورزش زنده کنیم و محبت را به ورزش برگردانیم باید از ورزش باستانی شروع کنیم. جشنواره تئاتر کارتاژ با حضور ۱۱۰ گروه هنری از ۲۸ کشور جهان از یازدهم تا نوزدهم آذر ماه در تونس در حال برگزاری است.

ترسیم انسان واقعی در اشعار پروین

گروه فرهنگ و هنر– راه یک انسان واقعی بسیار دشوار است و پروین برای نشان دادن سختی این راه، مخاطب را به طرز هنرمندانه و شگفت انگیزی غافلگیر می‌کند، برای این کار از گفت و گوی اشخاص، اجسام، گیاهان و... استفاده می‌کند.

فاطمه یزدانی؛ کارشناس ارشد ادبیات می نویسد: پروین اعتصامی بانوی شاعر ایرانی است. وی در اشعارش رفتار، گفتار و افکار انسان حقیقی را نشان می‌دهد. او به بهترین، متفاوت‌ترین و قابل فهم ترین شکل ممکن از انسانیتی که باید در همه انسان‌ها باشد سخن می‌گوید.

آدم‌های زیادی به عرصه وجود پا گذاشته‌اند و می‌گذارند. بسیاری از آن‌ها غرق در امور ناپسند مثل انباشتن ثروت، هوی و هوس، ظلم، بی احترامی به اطرافیان و... شده‌اند. آن‌ها تمام زندگی را کوشیدن برای رفاه تن می‌دانند. درحالی که پروین اعتصامی بارها به تمام این افراد پند می‌دهد؛ چراکه زندگی در نگاه او آراستن جان است و آنچه اهمیت دارد جان آدمی است.

چو تن رسواست، عیبش را چه پوشم/ چو بی پرواست، در کارش چه کوشم

شکستیمش که جان مغزست و تن پوست/کسی کاین رمز داند اوستاد اوست

و در جای دیگری می‌گوید:

ز بهر بیهده از راستی بری نشدن /برای خدمت تن روح را نفرسودن

یا «ره تن را بزن تا جان بماند، ببند این دیو تا ایمان بماند» و «ای خوش از تن کوچ کردن، خانه در جان داشتن».

وی ابیات زیادی را به این نکته اختصاص داده‌است؛ چراکه تنها توجه به همین نکته است که فرد قبل از هر چیز و در کنار همه چیز برای واژه «انسانیت» تلاش می‌کند.

اما راه یک انسان واقعی بسیار دشوار است و پروین برای نشان دادن سختی این راه، مخاطب را به طرز هنرمندانه و شگفت انگیزی غافلگیر می‌کند، برای این کار از گفت و گوی اشخاص، اجسام، گیاهان و... استفاده می‌کند. به طور مثال در شعر «باد بروت» عالم به نادان می‌گوید:

گر تو هفتاد قرن عمر کنی/ هستیت هیچ و فرصت هدر است

آنچه مخاطب پیش از خواندن شعر انتظار دارد، غلبه عالم بر نادان است؛ چراکه عالم بودن صفتی پسندیده و نادانی صفتی ناپسند است. اما در اینجا شعر با پاسخ کوبنده نادان به پایان می‌رسد:

خویش را خیره بی‌نظیر مدان/مادر دهر را بسی پسر است

اگرت دیده ایست راهی پوی/چند خندی بر آنکه بی بصر است

نیکنامی ز نیک کاری زاد/نه ز هر نام شخص نامور است

علمی که ره به معرفت ننماید جهالت است

در نگاه پروین دانایی و علم ارزشمند است به شرط آنکه با غرور و خودبینی و از طرف دیگر با تحقیر دیگران همراه نباشد؛ زیرا علمی که ره به معرفت ننماید جهالت است. به همین دلیل در پایان شعر می‌گوید:

اگر این است فضل اهل هنر/ خنکا آن کسی که بی هنر است

فرد با غرور، خودبزرگ بینی و تحقیر دیگران نه فقط علم بلکه هر صفت نیک دیگری که دارد را می‌تواند ضایع و بی ارزش کند و این را در دیگر اشعار پروین نیز می‌توان یافت. یکی دیگر از ویژگی‌هایی که انسان باید داشته باشد کمک به دیگران است. پروین نیز به این امر تأکید فراوان دارد و هر نوع کمکی را پسندیده می‌داند؛ اما به شرط آنکه بی مزد و منت باشد.

به وقت بخشش و انفاق پروین/ نباید داشت در دل جز خدا را

انسان حقیقی باید مثبت به امور عالم نگاه کند و برای دست یافتن به چنین تفکری چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. در شعر برف و بوستان اثر پروین اعتصامی، نگاه مثبت نسبت به اتفاقات پیرامون را می‌توان دید. آنگاه که گلستان به برف می‌گوید:

بسی گلبن کفن پوشیده از تو/ بسی کردی به خوبان سوگواری

و برف در پاسخ می‌گوید:

هزاران راز بود اندر دل خاک/ چه کردستیم ما جز رازداری

یا در شعر گل و خار، گل که از وجود خار ناراضی است به او می‌گوید:

در صحبت تو، پاک مرا تار و پود سوخت/شاد آن گلی که خار و خشش نیست در جوار

و خار در پاسخ می‌گوید:

هنگام خفتن تو نخفتم برای آنک/ گلچین بسی نهفته درین سبزه مرغزار

از پاسبان خویشتن، عار بهر چیست/ نشنیده‌ای حکایت گنج و حدیث مار

حتی بحث ظلم ستیزی در اشعار پروین نیز برای تحقق آرمان درخشش گوهر انسانیت در وجود آدمی است. به طور کلی می‌توان گفت پروین اعتصامی شاعری است که برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها سخن می‌گوید. به طور مثال کسانی متعلق به هزار سال پیش و یا هزاران سال آینده، می‌توانند اشعار پروین را بخوانند. چراکه وجه اشتراک همه آن‌ها در این دنیا باید پرداختن به انسانیت باشد. مانند: دوری از هوی و هوس، تکبر، ظلم و اتلاف وقت و حرکت در مسیر راستی، پاکی، صبر، مهربانی، کمک به همنوع و قناعت.

درنتیجه تفکر پروین اعتصامی حول انسان حقیقی است. از طرف دیگر پروین در کنار نشان دادن همه زیبایی‌ها و زشتی‌هایی که در فکر و رفتار و گفتار انسان‌ها است فراوان از فرارسیدن خزان زندگی همه انسان‌ها به وسیله مرگ سخن می‌گوید: «گر خار یا گلیم سرانجام نیستی است»، یا «نمرود و بلند برج بابل، شد خاک و برفت با غباری» و یا «نزد گرگ اجل چه بره چه گرگ».

پروین در اشعارش مدام یادآور می‌شود که همه آدم‌ها خوب باشند یا بد، تهی دست باشند یا ثروتمند، خوشبخت باشند یا بدبخت، خواهند مرد تنها چیزی که مانا خواهد بود نام نیک است و او بارها و بارها از به یادگار گذاشتن نام نیک در این جهان سخن می‌گوید:

کسی که در طلب نام نیک رنج کشید/ اگرچه نام و نشانیش نیست، نامور یست

در نهایت آنچه اهمیت دارد مفهوم بیتی است که بر سنگ قبر او نیز نوشته شده است:

«خرم آن کس که در این محنت گاه/ خاطری را سبب تسکین است».